

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه مترجم
۶	پیش درآمد: یافته روسو در جنگل‌ها
۸	مقدمه: فلسفه قاره‌ای مدرن و دعوی استعلایی
۱۴	زمینه چینی: روشنگری و رمانتیسم
۲۳	فصل اول: کشف «خود»: روسو
بخش نخست: ظهور «خود» در ایدئالیسم آلمانی	
۳۲	فصل دوم: کانت و روشنگری آلمانی
۵۲	فصل سوم: خیال‌پردازی درباره «خود»: فیشته، شلینگ، شیلر و رمانتیسم
۶۴	فصل چهارم: هگل و به اوج خدایی رساندن «خود» در قالب روح
بخش دوم: فراسوی روشنگری: فروپاشی امر مطلق	
۸۲	فصل پنجم: «خود» عبوس: شوپنهاور
۹۳	فصل ششم: پس از هگل: کی‌یرکه‌گور، فویرباخ، مارکس
۱۰۶	فصل هفتم: چرخش ضداستعلایی: منطق، تجربه‌گرایی و ظهور نسبی‌گرایی
۱۱۸	فصل هشتم: حمله به خود: نیچه و نیست‌انگاری
بخش سوم: «خود» در و برای خود: پدیدارشناسی و پس از آن	
۱۳۶	فصل نهم: واکنش استعلایی: علم‌اگو نزد هوسرل
۱۴۶	فصل دهم: دو ناخشنود و تمدن‌شان: فروید و ویتگنشتاین
۱۵۹	فصل یازدهم: خود باز تفسیر شده: هایدگر و هرمنوتیک

۱۸۰	فصل دوازدهم: «خود» در فرانسه: سارتر، کامو، دوبوار، مرلوپونتی
۲۰۲	الحاقیه پایانی: پایان «خود»: ساختارگرایی، پست‌مدرنیسم، فوکو، و دریدا
۲۱۱	ارجاعات
۲۱۵	کتاب‌شناسی منتخب
۲۱۹	واژه‌نامه
۲۲۲	نمایه اسامی خاص
۲۲۴	نمایه کتاب‌ها
۲۲۵	نمایه مفاهیم و موضوعات

## مقدمه مترجم

هرگونه تاریخ فلسفه‌نویسی ناگزیر خیانتی است به فیلسوفان. فیلسوفان بزرگی که حتی برای شرح جامع یکی از آثارشان نیاز به ده‌ها کتاب است، همگی در عباراتی کوتاه معرفی می‌شوند. نمونه کتاب حاضر خود گویای این مسئله است. آیا می‌توان اندیشه‌های بزرگ‌ترین متفکران تاریخ بشر را، از کانت و فیشته گرفته تا شلینگ و هگل، از شوپنهاور و کی‌یرکه‌گور و نیچه گرفته تا هوسرل و هایدگر، از فروید و ویتگنشتاین گرفته تا فوکو و دریدا، در حدود دویست صفحه گنجانند؟ تجربه نشان داده است که تاریخ فلسفه‌هایی از این دست، معمولاً به چیزی بیش از داستان زندگی فیلسوفان راه نمی‌برند که، برای خالی نبودن عریضه، چند جمله فلسفی هم به آن‌ها الصاق شده است. از سوی دیگر، مطالعه چنین تاریخ فلسفه‌هایی اصلاً چه سودی خواهد داشت، جز ایجاد توهم فهم در مخاطب عام و فروکاستن عمیق‌ترین مباحث فکری تاریخ بشری به مثنی داستان و حکایت؟ چرا باید علاقه‌مندان راستین فلسفه، به جای اینکه به متن اصلی فیلسوفان پردازند، وقت خود را صرف داستان‌ها بکنند و به جای تأمل فلسفی، از حافظه خویش بهره ببرند؟ در این معنا، تاریخ فلسفه‌نویسی، به ویژه نسخه‌های بسیار خلاصه‌شده آن، عمدتاً ضدفلسفه و گمراه‌کننده است.

آیا نمی‌توان تاریخ فلسفه‌نویسی را نجات داد؟ آیا می‌توان شیوه خاصی از تاریخ فلسفه‌نویسی ارائه داد که به کلی گویی، پراکنده‌نویسی، تقلیل‌گرایی و وقایع‌نگاری دچار نشود؟ شاید تنها راه برون‌رفت از این مشکلات، ارائه نوعی تاریخ فلسفه است که صرف‌نظر از کمیت و اندازه‌اش بتواند نوعی تحلیل را حول موضوعی مشخص و هدفمند سامان دهد. این مهم در واقع کاری است که رابرت سألْمَن در کتاب حاضر قصد انجامش را داشته است. هرچند عنوان این کتاب مدعی پوشش دادن کل فلسفه قاره‌ای در بازه زمانی ۲۵۰ سال اخیر است، اما عملاً یک ایده محوری، یعنی «مفهوم خود» است که همچون نخ تسبیح سایر دقایق را به یکدیگر متصل می‌کند و داستان تاریخ فلسفه را نه به حکایاتی پراکنده و تصادفی، بلکه به پیشرفت ضروری و منطقی تأملات مختلف درباره این مفهوم بدل می‌سازد. در این معنا، می‌شد

روایت‌های بدیلی از تاریخ فلسفه قاره‌ای به دست داد که بر دیگر مفاهیم محوری مبتنی‌اند. هر مفهومی، رابطه‌ای موندین با کل تاریخ دارد. هر مفهومی بازنمایی‌کننده کل است، اما از منظر خاص خودش. در این معنا می‌توان از تاریخ‌های بدیلی سخن گفت که «تاریخ خود» تنها یکی از آن‌هاست. برای مثال، می‌شد همین کتاب را حول «تاریخ خدا»، یا «تاریخ ابژه»، «تاریخ جوهر»، «تاریخ حقیقت» و جز این‌ها نوشت. البته نباید فراموش کرد که همه این تاریخ‌های بدیل، سرانجام، به نحوی موندگونه، بازنمایی‌کننده حقیقت واحدی است که خود را به اشکال مختلف متجلی ساخته است. در این معنا، بازخوانی تاریخ‌های مختلف همواره باید معطوف به ایده کثرت در عین وحدت باشد، البته وحدتی که خود از کثرت‌رهایی ندارد و کلیتی که از اجزاء جدا نیست.

آنچه در این کتاب «خود» نامیده می‌شود، در حقیقت وارث مفاهیم نامدار عرصه اندیشه بشر مانند «نفس»، «روح»، «ذهن»، «سوژه»، «عقل» و حتی «انسان» و «فطرت» است. در تاریخ اندیشه مفاهیم از بین نمی‌روند، بلکه از شکلی به شکل دیگر تبدیل می‌شوند و نوعی جابه‌جایی نیروها در آن‌ها اتفاق می‌افتد. مفهوم «خود»، قدرتش را از تمام مفاهیم سلفش اخذ کرده است. اما در عین حال، نباید فراموش کرد که این بازآرایی مفهوم در قالب جدید، در حقیقت نوعی پنهان‌سازی اسطوره‌های پیشین در پوشش‌های تازه و به‌ظاهر مدرن است. می‌توان به واسطه نوعی تبارشناسی انتقادی نشان داد که چگونه مفاهیم کهن و اسطوره‌های پیشین، برای صیانت از خود، در مفاهیم تازه و در لباس‌های مبدل به حیات و تأثیرگذاری خود ادامه می‌دهند. تصور یک واژه، بدون درک تاریخ و سیر تطور آن، همواره فرد را در معرض خودفریبی قرار می‌دهد و فهم را مسدود می‌کند، زیرا فهم راستین، همواره معطوف به ردیابی ریشه‌های تاریخی است. هرچند کتاب سألْمِن از برخی انتقادات یادشده مبراست، اما می‌توان انتقادات جدی دیگری نیز به آن وارد ساخت. نخست اینکه در کتاب حاضر در بررسی سیر تطور مفهوم خود، بسیار گزینشی عمل شده است. البته از گزینش‌گریزی نیست، اما سألْمِن در این اثر مکاتب و چهره‌های بسیار مهمی را از قلم انداخته و اصلاً حتی اشاره‌ای به آن‌ها نکرده است که می‌توانستند در پیشبرد تحلیل نقشی اساسی ایفا کنند. برای نمونه، در این کتاب به مارکس اشاره‌ای شده و بخشی از فصل ششم به او اختصاص یافته است، اما از جریانات پسا مارکسی هیچ خبری نیست و در نتیجه، از برخی از مهم‌ترین چهره‌های فلسفی قرن بیستم، نمونه بارز آن‌ها، تئودور آدورنو، هیچ نامی به میان نیامده است. همچنین سألْمِن هیچ اشاره‌ای به مکاتب تأثیرگذار نوکانتی نکرده است. او هرچند مکتب فروید را حائز اهمیت می‌داند، پیوندهای آن

با فلسفه را نادیده رها می‌کند و آنجا که به نقطهٔ اوج روانکاوی قرن بیستم، یعنی ژاک لکان می‌رسد، با این ادعای فاقد توجیه سروته قضیه را هم می‌آورد که «پیشاپیش از داستان فلسفهٔ اروپایی کنار گذاشته شده‌اند». او این دعوی را دربارهٔ لویی آلتوسر نیز مطرح می‌کند و در نتیجه از شمّ ضعیف پیش‌بینی خود خبر می‌دهد، چرا که امروز شاهد نوعی بازگشت تازه هم به روانکاوی هگلی، ژاک لکان، و هم به مارکسیست ضد هگلی، لویی آلتوسر هستیم.

انتقاد جدی دیگر به این کتاب، فقدان ارجاعات است. نویسنده در اکثر مواردی که مستقیماً به نوشتهٔ یک متفکر ارجاع داده، منبعی برای آن ذکر نکرده است و تنها در برخی موارد دلبخواهی، برای خالی نبودن عریضه، ارجاعاتی به آثار متفکران مورد بحث داده است، به نحوی که در سرتاسر برخی از فصول بسیار مهم این کتاب (مانند فصل پنجم یا هفتم) تنها یک ارجاع به چشم می‌خورد. هر چند نویسنده، احتمالاً این شیوهٔ ارجاع را به این دلیل در دستور کار قرار داده است که مخاطب گرفتار ارجاعات ریز و درشت و جزئی‌نگری نشود و منظری کل‌نگرانه اتخاذ کند، اما دست کم نباید چنین شیوه‌ای سرمشق علاقه‌مندان و دانشجویان مبتدی قرار گیرد.

فارغ از انتقادات فوق، یکی از محاسن کتاب سألْمَن این است که آگاهانه دارای موضع است. به بیان دیگر، هر شکلی از عرضهٔ تاریخ فلسفه پیشاپیش دارای موضع است، چه نویسنده از آن آگاه باشد چه نباشد، چه بدان معترف باشد چه نباشد. هیچ تفسیر یا توصیف بی‌طرفی از تاریخ فلسفه - و به‌طور کلی از هیچ پدیده‌ای - وجود ندارد. هر نویسنده، مورخ یا مشاهده‌گری، بر اساس سنت فکری و پیش‌انگاشت‌های خود به سراغ تحلیل و فهم تاریخ می‌رود. هیچ روایتی، و در نتیجه، هیچ فهمی بی‌طرف نیست. بنابراین، هر مورخی که موضع بی‌طرفی بگیرد یا نسبت به عوامل تاریخی و فرهنگی دست‌اندرکار در دریافتن بی‌اطلاع است یا ریاکار؛ یعنی در یک کلام، یا باید در فهمش شک کرد یا در صداقتش، اما سالْمَن هم کاملاً نسبت به تاریخ فلسفه موضع دارد و هم این موضع را آشکارا بیان می‌کند، او نه همچون مورخی بی‌طرف یا گزارشگری بی‌اعتنا، بلکه بارها همچون یک طرف‌گفتگو با فیلسوفان قاره‌ای مواجه می‌شود، برخی نظراتشان را از دیدگاه خودش رد و از برخی دیگر دفاع می‌کند.

آنچه ترجمهٔ فارسی و انتشار کتاب سألْمَن را موجه - و چه بسا ضروری - می‌سازد، فقدان اثری مشابه در زبان فارسی است که در عین حجم اندک و نثر شیوا، توانسته باشد، این دورهٔ تاریخی مهم، از کانت تا دریدا را نه از بیرون - به واسطهٔ داستان‌سرایی و حکایات - بلکه در درون - به کمک شرح سیر تطور مفهوم «خود» - ترسیم کند. در این معنا، این کتاب



می‌تواند خلأ موجود در آثار فلسفی به زبان فارسی را پر کند و علاقه‌مندان و دانشجویان را، به ویژه در مراحل ابتدایی آشنایی‌شان با فلسفه‌های مدرن و پست‌مدرن، همراهی کند و برایشان تحلیلی کل‌نگرانه و اشرافی نسبی در خصوص روند حرکت تاریخ فلسفه غرب در دو قرن اخیر به ارمغان آورد.

البته پیش از ترجمه حاضر، ترجمه دیگری نیز از این اثر به زبان فارسی، از سوی آقای محمدسعید حنایی کاشانی منتشر شده است و اینجانب متنی انتقادی درباره ویراست اول (سال ۱۳۷۹) و دوم (سال ۱۳۹۶) آن منتشر کرده‌ام که به دلیل اجتناب از اتلاف وقت مخاطبان، آنان را به همان متن ارجاع می‌دهم.<sup>۱</sup> البته مترجم نیز پاسخی به این نقد ارائه داده‌اند که علاقه‌مندان می‌توانند به آن نیز مراجعه فرمایند.<sup>۲</sup>

شایان ذکر است که تمام پاورقی‌ها از مترجم فارسی است و ارجاعات اندک نویسنده، طبق روال کتاب اصلی به انتهای متن منتقل شده است. همچنین مترجم فارسی هر جا صلاح دیده است برای روان تر شدن متن از کروشه بهره برده و هر جا نویسنده از کروشه ([...]) استفاده کرده برای پیشگیری از خلط مطالب مؤلف و مترجم، مطالب در دو کروشه آمده است. همچنین در انتهای کتاب واژه‌نامه نسبتاً مفصلی درج شده است تا مخاطبان بتوانند از معادل اصلی واژگان مطلع شوند. لازم است از آقای علی سهرابی تشکر کنم که بخش‌هایی از ترجمه را خواندند و برخی اصلاحات را گوشزد کردند، و نیز از سازمان «سمت» و ویراستار محترم سرکار خانم دکتر سیمین عارفی که در بازخوانی نهایی این متن نکات مفیدی را متذکر شدند. در پایان مقدمه، لازم است ذکر شود که مسئله «خود»، که می‌توان به بیانی دقیق‌تر، مدرن‌تر و پروبلماتیک‌تر آن را مسئله «سوژه» نامید، همچنان یکی از مسائل اصلی فلسفه است. حتی ریشه بسیاری از مشکلات اجتماعی، سیاسی و تمدنی بشر به مسائل نظری پیرامون مفهوم «خود» یا «سوژه» بازمی‌گردد. برای مثال، مسئله رستگاری یا آزادی، همچون مسئله‌ای چندهزارساله، امروز نیز خود را به مثابه مسئله‌ای جدی و خطیر - چه بسا جدی‌تر و خطیرتر از هر زمان دیگر - نشان می‌دهد. راه تحقق این آزادی و مواجهه با مسائل ناشی از آن، تنها از طریق ریشه‌یابی فلسفی و متافیزیکی مبانی مفهومی آن، از جمله و به ویژه مفاهیم «خود» و

۱. اردبیلی، محمدمهدی، «کلکسیون‌های اشتباهات در ترجمه»، در: *روزنامه شرق*، شماره ۳۰۹۹، ۱۲ اسفندماه ۱۳۹۶.

۲. حنایی کاشانی، محمد سعید، «درباره کلکسیون»، در: *روزنامه شرق*، شماره ۳۱۱۱، ۲۶ اسفندماه ۱۳۹۶.

«سوژه»، میسر می‌شود. در نتیجه، کتاب حاضر صرفاً سرگذشتی از فلسفه یا فیلسوفان، سخنان و زندگی‌شان و حتی مجموعه‌ای از عبارات منتخب از آثار ایشان درباره مفهوم «خود» هم نیست، بلکه مهم‌تر از آن، مدخلی است هم از یک سو، برای درک تحلیلی-تاریخی مفهوم «خود» برای فرارفتن از آن و مواجهه مفهومی با «جهان» و «خدا»، و هم از سوی دیگر، برای ورود به ژرفای تحلیل فرصت‌ها و تهدیدها، بحران‌ها و امکانات امروز تمدن «ما».

محمد مهدی اردبیلی

بهار ۱۳۹۷